



## مفهوم عاملیت: نقدی بر مقاله «انطباق عاملیت با عقود اسلامی در نظام بانکداری ایران»



حمید قنبری\*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### چکیده

عاملیت از حیث آثار و احکام حقوقی آن تمایز روشنی قائل شود. مفهوم عاملیت در آن مقاله به یک معنای واحد استفاده نشد و مفاهیم گوناگون و متفاوتی که از این لفظ برداشت می‌شود در مواضع متعددی با یکدیگر خلط شد. در مقاله حاضر، صرفاً از دیدگاه حقوقی به نقد مقاله فوق‌الذکر پرداخته می‌شود و تلاش می‌شود تا به ابهامات آن اشاره شود و نیز برخی خطاهای روش‌شناختی گوشزد گردد.

### مقدمه

یکی از روش‌های نقد و اصلاح قوانین و مقررات حقوقی و ارتقای کارآمدی آنها، روش حقوق تطبیقی<sup>۱</sup> است. در حقوق تطبیقی سعی

مقاله «انطباق عاملیت با عقود اسلامی در نظام بانکداری ایران» در شماره ۱۲۸ مجله تازه‌های اقتصاد به قلم دکتر علی حسن‌زاده منتشر شد. نویسنده در آن مقاله تلاش نمود مفهوم عاملیت را معرفی نماید، ماهیت حقوقی و اقسام آن را شرح دهد و در نهایت اثبات نماید که عاملیت در نظام بانکی ایران و با توجه به مقررات حاکم بر بانکداری در کشورمان قابلیت اجرا دارد و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ایران می‌توانند این عملیات را انجام دهند.

مقاله مذکور در عین اینکه نکات بدیعی را مطرح نمود، اما خالی از یک سری کاستی‌های حقوقی و روش‌شناختی نیست. نویسنده مقاله در تبیین مفهوم عاملیت موفق نبود و نتوانست میان گونه‌های مختلف

\* رئیس دایره تحقیقات، دعوی و قراردادهای بین‌المللی، اداره بررسی‌های حقوقی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

می‌شود مفاهیم و قواعدی که در نظام‌های حقوقی دیگر وجود دارند و مورد استفاده قرار می‌گیرند، بررسی شده، با نظام حقوق داخلی کشور مورد نظر مقایسه شوند و نقاط قوت و کاستی‌های هر یک در مقابل دیگری مشخص شود. در نهایت اگر نتیجه بگیریم که مفهوم یا قاعده‌ای در نظام حقوقی دیگر کشورها وجود دارد که از نظام حقوقی ما کارآمدتر است، یا مفهوم و قاعده کارآمد و مؤثری در نظام حقوقی دیگر کشورها وجود دارد که نظام حقوقی ما از آن بی‌بهره است، می‌توانیم آن را وارد نظام حقوقی کشور خویش نماییم و بدین ترتیب کارآمدی نظام حقوقی کشور را افزایش دهیم.

در اهمیت و فایده حقوق تطبیقی تردیدی وجود ندارد. لیکن نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که یافته‌های حقوق تطبیقی باید مبتنی بر درک کامل و عمیق دو نظام حقوقی مورد تطبیق باشند. در صورتی که نظام حقوقی داخلی خود را به‌نحو کامل و دقیق شناسیم و یا با نظام حقوقی خارجی آشنایی کافی نداشته باشیم، یافته‌هایی که از تطبیق دو نظام حاصل می‌شود نیز کارآیی چندانی نخواهد داشت و حتی ممکن است زمینه ابهام و بی‌نظمی در نظام حقوقی کشور فراهم شود.

نویسنده مقاله «انطباق عاملیت...»، تلاش نموده است مفهوم عاملیت در حقوق برخی کشورهای غربی - خصوصاً آمریکا - را با برخی نهادهای حقوقی در ایران تطبیق نماید و مفاهیمی همچون جعاله و خرید دین را با مفهوم عاملیت تطبیق نماید و بدین ترتیب اثبات نماید که انجام عاملیت توسط بانک‌های ایرانی در چهارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا و سایر مقررات ناظر بر بانکداری اسلامی در ایران امکان‌پذیر است و بانک‌های ایرانی می‌توانند به‌منظور تأمین منابع مالی بنگاه‌های اقتصادی اقدام به عاملیت نمایند.

مطالعه مقاله نشان می‌دهد که نویسنده مفهوم معین و متمایزی از عاملیت<sup>۲</sup> در ذهن نداشته است و یا حداقل نتوانسته است مفهوم واضحی را به خواننده منتقل کند. عاملیت در متن مقاله به معانی مختلف و متفاوتی به‌کار رفته است و در کل مقاله چندین بار تغییر معنایی و مفهومی پیدا کرده است. این خلط معنا و گاه تغییر مفهومی به همه بخش‌های مقاله تسری یافته است و موجب آشفتگی و ابهام در تعیین اقسام و احکام عاملیت، ماهیت آن و قابلیت انطباق آن با عقود اسلامی شده است.

در پایان مقاله نویسنده نتیجه گرفته است که عاملیت در نظام حقوقی فعلی ایران و با توجه به قوانین و مقررات حاکم بر بانکداری

امکان‌پذیر است و لازم است مقررات ناظر بر آن توسط بانک مرکزی تدوین شود. نتیجه‌ای که به دلایلی که خواهد آمد مورد پذیرش نگارنده این سطور نیست. نگارنده در این مقاله تلاش کرده است تا حد امکان برخی از ابهامات را تبیین کند و مفهوم عاملیت را به‌نحو واضح و متمایز توضیح دهد. این مفاهیم در دو بخش تعریف عاملیت و ماهیت حقوقی و احکام آن توضیح داده خواهد شد.

### بخش اول: تعریف عاملیت

عامل که معادل واژه انگلیسی Factor است در فرهنگ حقوقی Black این‌گونه تعریف شده است:

«یک نماینده تجاری که توسط یک اصیل<sup>۳</sup> استخدام می‌گردد تا کالای تجاری‌ای را که به این منظور به وی داده شده است بفروشد. او کالا را برای اصیل و از طرف او می‌فروشد اما معمولاً فروش را به نام خود انجام می‌دهد. کالا در تصرف و کنترل عامل قرار داده می‌شود. در مقابل به عامل، کمسیون<sup>۴</sup> یا حق عاملیت<sup>۵</sup> پرداخت می‌گردد».

دایرةالمعارف حقوقی West، عامل را این‌گونه تعریف می‌نماید: «عامل نوعی نماینده است که کالاهایی را که متعلق به کس دیگری است می‌فروشد. عامل با نماینده صرف تفاوت دارد؛ زیرا لازم است عامل، کالاها را در تصرف خود داشته باشد، در حالی که برای نماینده چنین شرطی وجود ندارد. رابطه عامل و اصیل با قرارداد برقرار می‌شود. هر دو طرف ملزم به رعایت مفاد قرارداد هستند و اختتام قرارداد نیز توسط عامل، اصیل و یا به حکم قانون ممکن است» (لمن، ۲۰۰۵، ۳۹۸، ۶).

در لغت‌نامه حقوقی Essentials، عامل این‌گونه تعریف شده است:

«نماینده‌ای که در مقابل کمسیون<sup>۶</sup> که حق عاملیت نامیده می‌شود، مبادرت به خرید یا فروش کالا می‌کند» (بلک‌ول، ۲۰۰۸، ۱۸۲، ۷).

فرهنگ حقوقی Webster عامل را این‌گونه تعریف نموده است: «کسی که حساب‌های دریافتی<sup>۸</sup> را به کمتر از ارزش اسمی آنها می‌خرد و کل مبلغ آنها را جمع‌آوری می‌نماید و تفاوت میان این دو را به‌عنوان کمسیون یا حق عاملیت خود برداشت می‌نماید. کسی که کالاهایی را که به وی تحویل داده شده است می‌فروشد» (الیس، ۲۰۰۶، ۱۴۰، ۹).

در حقوق ایران عبارت عملی در بند ۳ از ماده ۲ قانون تجارت به‌کار رفته و در زمره عملیات تجاری محسوب شده است. در کتاب

قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی که منقح‌ترین و مبسوط‌ترین شرح قانون مزبور تاکنون محسوب می‌گردد، در این خصوص نگاشته شده است:

«در باره اینکه مفهوم عامل کیست و چه کسی عامل محسوب می‌شود، قانونگذار تعریفی ارائه نداده است. بین حقوقدانان نیز در این باره اختلاف نظر وجود دارد. برخی عامل را کسی می‌دانند که مانند حق‌العمل کار در مقابل اجرت به نمایندگی از دیگری عملی را انجام می‌دهد. با این تفاوت که بر خلاف حق‌العمل کار، عامل برای شخص معینی کار نمی‌کند.<sup>۱۰</sup> برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند که عامل معمولاً نماینده بازرگان واحد و معینی است و حق انجام معامله برای سایر اشخاص را ندارد مگر در مواردی که طبق شرایط مقرر بین عامل و آمر چنین اجازه‌ای پیش‌بینی شده باشد. همچنین بر خلاف حق‌العمل کار عامل اصولاً از خود سرمایه‌ای دارد و کالا و اجناس را شخصاً خریداری و طبق مقررات و شرایط مقرر بین عامل و فروشنده به فروش می‌رساند.<sup>۱۱</sup> برخی دیگر از حقوقدانان، عاملی را تقریباً نوعی وکالت با اجرت می‌دانند که باید خصیصه تجاری بودن آن در نظر گرفته شود».<sup>۱۲</sup>

با ملاحظه تعاریف فوق که به سادگی می‌توان بر تعداد آنها افزوده، سه مفهوم متفاوت از عاملیت مشخص می‌شود:

۱. عامل کسی است که به وکالت از اصیل (یا آمر) کالاهای متعلق به وی را می‌فروشد و در مقابل کمیسیون یا حق عاملیت دریافت می‌دارد.
۲. عامل کسی است که مطالبات اصیل (یا آمر) را تنزیل می‌نماید و پیش از سررسید، مبلغی کمتر از مبلغ اسمی آنها را به دارنده اسناد مطالبات یا حساب‌های دریافتی می‌دهد و در سررسید با مراجعه به بدهکار، کل مبلغ اسمی طلب را از وی دریافت می‌نماید.
۳. عامل نوعی حق‌العمل کار است با این تفاوت که از خود سرمایه‌ای دارد و کالا و اجناس را شخصاً خریداری و طبق مقررات و شرایط مقرر بین عامل و فروشنده به فروش می‌رساند. در این حالت عامل مالک کالایی است که در اختیار دارد، اما فروش آن را مطابق توافق با آمر انجام می‌دهد.

روشن است که سه مفهوم یاد شده از عامل، کاملاً متمایز می‌باشند و لفظ عامل در این مفاهیم، مشترک لفظی است، نه مشترک

معنوی. این سه معنا، اقسام متمایزی از یک معنای کلی‌تر نمی‌باشند و کاملاً از یکدیگر جدا هستند. رابطه عامل و اصیل در اولی وکالت است و در دومی و سومی بیع است. در حالت دوم، بیع یک مال دینی<sup>۱۳</sup> است و در حالت سوم، بیع مالی عینی<sup>۱۴</sup> به نحو مشروط است.

اینک به مقاله مورد بحث مراجعه می‌نماییم و مفهوم عاملیت را در آن بررسی می‌نماییم. نویسندگان در مواضع متعددی مفهوم عاملیت را توضیح داده است. از جمله:

۱. «عاملیت به‌عنوان فروش حساب‌های دریافتی (اسناد دریافتی) به شرکت عامل جهت تأمین پول نقد و کاهش ریسک اعتباری تعریف می‌گردد».<sup>۱۵</sup>

۲. «در شکل نوین عاملیت، شرکت‌های عامل، مطالبات فروشندگان کالا را از خریداران جمع‌آوری کرده و وصول می‌نمایند».<sup>۱۶</sup>

۳. «عاملیت معمولاً رابطه‌ای میان مشتری و فروشنده برقرار می‌سازد که در آن عامل با پرداخت کلیه مبالغ بدهی‌های مشتری، ریسک عدم پرداخت وی را به حداقل می‌رساند».<sup>۱۷</sup>

۴. «عامل علاوه بر تضمین پرداخت بدهی بدهکاران شرکت، ارائه خدمات مشاوره‌ای در مورد بدهکاران آن را نیز به انجام می‌رساند».<sup>۱۸</sup>

۵. «عاملیت بر مبنای انتقال مالکیت کالای فروش رفته استوار است».<sup>۱۹</sup>

ملاحظه این تعاریف و عبارات نشان می‌دهد که نویسندگان گاه از عاملیت، خرید دین و تنزیل را اراده نموده است (تعریف اول)، گاه از عاملیت وکالت در وصول مطالبات را اراده نموده است (تعاریف دوم و سوم)، گاه مقصود از عاملیت را تضمین بدهی‌های خریدار کالا دانسته است (تعریف چهارم) و گاه آن را نوعی خرید و فروش کالا دانسته است (تعریف پنجم). حال آنکه این چهار معنا مانع‌الجمع می‌باشند و نمی‌توان با حفظ یک دیدگاه منسجم و منطقی تمامی این موارد را عاملیت دانست.

توضیح آنکه اگر، عامل کسی باشد که دینی را تنزیل می‌نماید، در چنین حالتی پس از آنکه خرید دین یا تنزیل انجام گرفت، عامل مالک دین (یعنی طلبکار) می‌شود و بنابراین رابطه او با بدهکار، رابطه اصیل و بدهکار است و رابطه وکیل و بدهکار نیست. به محض تحقق خرید دین یا تنزیل، رابطه میان طلبکار اول و بدهکار قطع می‌شود

ماده ۳۳۸ قانون مدنی بیع را به تملیک عین به عوض معلوم تعریف می‌نماید. بنابراین مسأله‌ای که مطرح می‌شود این است که آیا با وجود تصریح قانون مدنی می‌توان دین را مورد خرید و فروش قرار داد؟ هر چند با توسل به ظاهر ماده ۳۳۸ قانون مدنی می‌توان درباره قانونی بودن خرید و فروش دین تردید نمود اما غالب حقوقدانان با وجود ماده ۳۵۰ قانون مدنی که بیع کلی فیالذمه را صحیح می‌داند، نتیجه گرفته‌اند که بیع دین نیز صحیح است.<sup>۲۰</sup> در هر حال همان‌طور که نویسنده مقاله اشاره نموده است بحث‌ها در مورد مشروعیت بیع دین و صحت آن قبلاً انجام شده و شورای نگهبان نیز نظر بر خلاف شرع نبودن این عمل داده است. از این رو در این خصوص بحث را ادامه نمی‌دهیم. اما آیا بانک‌ها می‌توانند از ساز و کار خرید دین برای انجام عاملیت استفاده نمایند؟ همان‌طور که نویسنده مقاله اشاره نموده است، آنچه در خرید دین اتفاق می‌افتد، تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل طلبکار یا داین است. یعنی بانک به جای مشتری یا آمر، طلبکار می‌شود. تا اینجای کار ظاهراً مشکلی وجود ندارد. بانک طلب آمر را خریداری می‌نماید و جایگزین وی می‌شود و از بدهکار، پرداخت دین را در سررسید مطالبه می‌نماید. اما ماده ۲۹۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد در تبدیل تعهد تضمینات، تعهد سابق به تعهد لاحق تعلق نخواهد گرفت مگر اینکه طرفین معامله آن را صراحتاً شرط کرده باشند. روشن است که تعهد بدون وثیقه و تضمین ارزشی ندارد و یا لاقلاً ارزشی بسیار اندک دارد. اهمیت وثیقه و تضمین در اعتبارات بانکی تا بدان حد است که بانکداران عرفاً نمی‌پذیرند اعتباری به شخصی داده شود مگر آنکه قبلاً تضمینی از وی اخذ گردد. مسأله اینجاست که با از میان رفتن وثایق، مطالباتی که بانک مالک می‌شود آیا واجد ارزش خواهند بود یا خیر؟

در پاسخ به این پرسش نویسنده مقاله احتمالاً می‌توانست دو پاسخ ارائه نماید:

۱. برخی از حقوقدانان مدعی شده‌اند که در مورد انتقال برگ‌های تجاری (سفته و برات و چک) تضمینات باقی می‌ماند و دارنده می‌تواند به ضامن‌ها و ظهرنویسان رجوع کند.<sup>۲۱</sup>
  ۲. در مورد شمول حکم ماده ۲۹۳ بر انتقال دین و طلب اختلاف نظر وجود دارد و برخی از حقوقدانان مانند مرحوم محمد بروجردی عبده و مرحوم سید حسن امامی مدعی شده‌اند که در انتقال دین و طلب تضمینات باقی می‌مانند.<sup>۲۲</sup>
- بر هر دو پاسخ محتمل ایراداتی وارد است: بر پاسخ اول این

و رابطه میان خریدار دین یا طلبکار جدید و بدهکار برقرار می‌گردد. بنابراین، پس از تحقق خرید دین، دیگر طلبکار اول از بدهکار طلبی ندارد که عامل بخواهد آن را تضمین نماید و یا وکالت در دریافت آن را بر عهده بگیرد. بنابراین نمی‌توان عامل را خریدار دین یا تنزیل‌کننده دین دانست و در عین حال، وی را وکیل در وصول دین و یا ضامن دین دانست. زیرا ضامن، یک عقد تبعی است و فرع بر وجود یک رابطه دین و طلب میان اشخاص دیگر است حال آنکه در خرید دین، خریدار دین، خود، طلبکار می‌شود و طلب کس دیگری را تضمین نمی‌کند. جمله شماره ۵ که در بالا آمده است، از تمام جملات فوق آشفته‌تر است. زیرا افاده‌کننده این معناست که با عاملیت، مالکیت کالای فروش رفته منتقل می‌شود، در حالی که هرگز چنین نیست. خریداری که کالایی را خریده است، مالک آن کالا محسوب می‌شود و انتقال آن کالا به غیر تنها با رضایت خود وی و یا به حکم قانون ممکن خواهد بود. هر گونه توافق میان فروشنده‌ای که کالا را قبلاً به خریدار فروخته است و عامل، نمی‌تواند موجب انتقال مالکیت کالای فروش رفته باشد، مگر آنکه تنفیذ خریدار را در پی داشته باشد. به عبارت دیگر، چنین معامله‌ای معامله فضولی و محتاج به تنفیذ مالک است. فروشنده در صورتی که ثمن را دریافت نکرده باشد، طلبکار محسوب می‌شود و می‌تواند طلب خود را به دیگری انتقال دهد اما این به هیچ وجه به معنای انتقال مالکیت کالا به دیگری، خواه عامل باشد و خواه هر کس دیگر، نیست. پذیرش این قاعده که فروشنده در صورت عدم دریافت طلب خود می‌تواند کالایی را که فروخته است به دیگری منتقل نماید آثار بسیار سوء حقوقی دارد و موجب از میان رفتن امنیت و ثبات در روابط حقوقی افراد می‌شود و از دیدگاه قانون مدنی به هیچ وجه قابل قبول نیست.

## بخش دوم: ماهیت حقوقی و احکام عاملیت

نویسنده مقاله سپس به تعیین ماهیت حقوقی عاملیت پرداخته است و سعی نمود اثبات کند که عاملیت با دو عقد خرید دین و جعاله انطباق دارد. البته توضیحات نویسنده در این مورد بسیار مختصر است و ادله مبسوطی در این باب اقامه ننموده است. سپس نتیجه‌گیری نموده است که اجرای عاملیت می‌تواند در قالب عقد خرید دین مورد استفاده قرار گیرد.

در اینجا ابتدا به این پرسش می‌پردازیم که آیا عاملیت با خرید دین منطبق است؟ سپس به بررسی قابلیت انطباق عاملیت با جعاله می‌پردازیم.

ایراد وارد است که عاملیت، امری است غیر از تنزیل اسناد تجاری، زیرا در متن مقاله در موارد مکرر از تنزیل سیاهه‌های فروش سخن به میان آمده است و نه از تنزیل اسناد تجاری. علاوه بر این، اگر مراد نویسنده از عاملیت، تنزیل اسناد تجاری توسط بانک‌ها بود، دیگر پیشنهاد تدوین مقررات لازم برای عاملیت معنا و وجهی نداشت، زیرا مقررات لازم برای تنزیل اسناد تجاری در حال حاضر نیز وجود دارد و بانک‌ها عملاً به این کار می‌پردازند. بنابراین نویسنده مقاله، عاملیت را امری غیر از تنزیل چک و سفته و برات می‌داند که خواستار تدوین مقررات خاص برای آن شده است. لذا نمی‌تواند از مزیت مذکور برای اسناد تجاری در مورد عاملیت بهره گیرد.

بر پاسخ دوم نیز این ایراد وارد است که نظریه یاد شده اگرچه توسط برخی از حقوقدانان معتبر و صاحب‌نام ارائه گردیده اما نظریه مشهور در میان حقوقدانان نیست و نمی‌توان مقررات بانکی و عملیات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را بر نظریه‌ای که اکثر حقوقدانان معاصر با آن موافقت ندارند، استوار نمود؛ زیرا این امر ریسک قانونی فعالیت بانکها را افزایش می‌دهد و آنها را در معرض خطر ابطال عملیاتشان در محاکم قرار می‌گیرند.

بنابراین، اگرچه استفاده از ساز و کار خرید دین برای انجام عاملیت توسط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در عالم نظر امکان‌پذیر است اما در عمل با توجه به اینکه وثایق این تعهدات در هنگام تبدیل تعهد ساقط می‌گردد، گزینه مطلوبی برای بانک‌ها نخواهد بود. بانک مرکزی همواره از بانک‌ها می‌خواهد در هنگام اعطای تسهیلات و اعتبارات، توجه لازم را داشته باشند تا تسهیلات با اخذ وثایق مطمئن و کافی ارائه گردد (البته تشخیص مطمئن و قابل قبول بودن تسهیلات را بر عهده خود بانک‌ها نهاده است) حال چگونه می‌تواند اجازه دهد که بانک‌ها از ساز و کار تبدیل تعهد برای تنزیل سیاهه‌های فروش که اسناد تجاری نیستند استفاده نماید، با علم به اینکه پس از تبدیل تعهد، این اسناد فاقد هر گونه تضمین و وثیقه از سوی بدهکار خواهند بود؟ نویسنده مقاله همچنین اشاره نموده است که عاملیت را می‌توان با استفاده از ساز و کار جعاله در بانک‌های ایران انجام داد. ماده ۵۶۱ قانون مدنی جعاله را التزام شخص به ادای اجرت معلوم در مقابل عملی دانسته است. در این روش بانک‌ها به‌عنوان عامل انجام عملی را در مقابل اجرت معین بر عهده می‌گیرند و بعد از انجام عمل، اجرت را به‌صورت نقد یا اقساط از صاحب کار اقتصادی دریافت می‌کنند، اجرت مورد نظر با توجه به هزینه‌های کار چنان تنظیم می‌شود که بانک سود مشخصی را به دست آورد. لیکن در این عقد نیز سود قطعی بعد از

صرف هزینه‌ها و انجام عمل مشخص می‌شود. بانک‌ها معمولاً انجام عمل را در عقد جعاله دیگری به پیمانکار و متخصصین واگذار می‌کنند. در نتیجه سود بانک، اختلاف اجرت دو جعاله خواهد بود (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۱۷۴).

در چنین حالتی، بانک وصول مطالبات مشتری یا امر را در مقابل اجرتی بر عهده می‌گیرد. این امر از نظر حقوقی مانعی ندارد و بانک‌ها نیز بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌توانند چنین عملی را انجام دهند، اما باید توجه داشت که در این حالت دیگر تنزیلی در کار نخواهد بود و بانک، تنها حق الزحمه وصول مطالبات را دریافت خواهد نمود. نکته مهم این است که ریسک عدم پرداخت بدهی‌ها بر عهده آمر است و بانک چنین ریسکی را متحمل نخواهد شد، زیرا تنها نقش یک وکیل در وصول مطالبات را بر عهده خواهد داشت و بدهی است که وکیل، مسئولیت عدم وصول مطالبات را بر عهده ندارد مگر آنکه عدم وصول در نتیجه تعدی یا تفریط وی حاصل شده باشد.<sup>۲۳</sup> در این حالت، برخی از کارکردهای عاملیت که نویسنده مقاله به آن اشاره نموده است مانند اطمینان‌بخشی به مشتری و تضمین مطالبات وی حاصل نخواهد شد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آنچه تاکنون گفته شد نه به‌منظور نفی فواید و مزایای عاملیت بود و نه به‌منظور نفی امکان انجام آن در بانکداری اسلامی در ایران. بدهی است عاملیت که در سایر کشورها به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد، مزایای بسیاری داشته و استفاده از آن می‌تواند در ایران نیز مفید باشد. نکته‌ای که این مقاله خواهان تأکید بر آن بود این است که وارد نمودن مفاهیم و نهادهای حقوقی جدید به کشور باید به دقت و با ملاحظه تمام جوانب و ظرایف آن انجام شود و به‌صرف مشاهده شباهت میان یک پدیده حقوقی در سایر نظام‌های حقوقی با پدیده‌هایی در نظام حقوقی خود، حکم به انطباق آنها با مفاهیم موجود و امکان اجرای آنها در نظام حقوقی کشور خود ننماییم.

درست است که تغییر قوانین، فرآیندی زمانبر و طاقت فرساست و قانونگذاران به‌سختی قانع می‌شوند که برخی قوانین بنیادین مانند قانون مدنی را تغییر دهند اما اگر خواستار آن باشیم که بر زمینی استوار و مطمئن گام برداریم و دست به تدوین مقرراتی نزنیم که در معرض ابطال و یا بی‌توجهی از سوی محاکم قرار گیرند، گاه ناچاریم که راه صعب تغییر قوانین مادر را بیماییم و تغییر برخی قوانین را که با نیازهای روز تطابق ندارند از قانونگذار درخواست نماییم. به

- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). دوره مقدماتی حقوق مدنی، درس‌هایی از عقود معین. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۳). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: نشر میزان.
- موسویان، سید عباس. (۱۳۸۳). بانکداری اسلامی. ویرایش دوم. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

### انگلیسی:

- Black, Compbell Henry. (1995). *Black's Law Dictionary*. New york: West Publishing Company.
- Blackwell, Amy. (2008). *Essential Law Dictionary* London: Sphinx publications.
- Ellis, Susan. (2006). *Webster's New World Law Dictionary*. New york: Wiley Publishing Incorporations.
- Lehman, Jeffrey & Phelps, Shirelle. (2005). *West's Encyclopedia of American Law, Vol. 4, Second Edition*. London: Gale publisher Thomson Corporations.

نظر می‌رسد که نظام بانکی ایران نیز اگر می‌خواهد مفهوم عاملیت را در کاملترین وجه خود و آن‌گونه که در سایر نظام‌های پیشرفته دنیا وجود دارد، اعمال نماید، چاره‌ای جز این ندارد که قانون مستقلی در مورد عاملیت تدوین و جهت تصویب به مراجع قانونگذاری پیشنهاد نماید. در غیر این صورت با محدودیت‌های حقوقی بسیار در جهت اجرای عاملیت روبه‌رو خواهد شد و این مفهوم عملاً به صورتی ناقص و نارسا وارد نظام حقوقی و بانکی ایران خواهد شد.

### پی‌نوشت‌ها:

- 1- Comparative Law
- 2- Factoring
- 3- Principal
- 4- Commission
- 5- Factorage
- 6- Lehman
- 7-Blackwell
- 8-Accounts Recievable
- 9-Ellis

۱۰- به نقل از ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد ۱، ص ۴۸.

۱۱- به نقل از کیایی، کریم، حقوق بازرگانی، جلد ۱، ص ۵۸.

۱۲- دمرچیلی، محمد و دیگران، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، ص ۴۰-۴۱.

- 13- Financial Asset
- 14- Tangible Asset

۱۵- حسن‌زاده، علی. انطباق عاملیت با عقود اسلامی در نظام بانکداری ایران، تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۲۸، ص ۹۲.

۱۶- همان منبع، ص ۶۳

۱۷- همان منبع، ص ۶۴

۱۸- همان منبع، ص ۶۴

۱۹- همان منبع، ص ۶۲

۲۰- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، درس‌هایی از عقود معین، جلد اول، ص ۱۳.

۲۱- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۲۵۵.

۲۲- همان منبع

۲۳- چرا که وکیل، علی‌الاصول امین است و قاعده حقوقی و فقهی در این مورد عدم ضمان امین است. «ما علی الالیمین».

### منابع و مأخذ

### فارسی:

- حسن‌زاده، علی. (۱۳۸۹). انطباق عاملیت با عقود اسلامی در نظام بانکداری ایران. تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۲۸، ص ۶۲.